

رویکرد برنامه‌ریزی و کالتی در برنامه‌ریزی شهری (مورد مطالعه: شهر سبزوار، محله گلستان)

مجتبی رفیعیان* - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

شیوا آجیلیان ممتاز- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
مهدی شیری‌پور- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۴ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۶

چکیده

امروزه عملکرد شهری نه تنها به برخورداری شهر از سرمایه فیزیکی وابسته است، بلکه به‌طور فزاینده‌ای به سرمایه اجتماعی و انسانی بستگی دارد. شهر پدیده‌ای فراتر از کالبد ظاهری است. ابعاد اجتماعی و فرهنگی هر شهر بعد پنهان در طرح‌های شهری به شمار می‌رود که به دلیل ماهیت غیرکالبدی و دشواری شناخت و درک، همواره در عرصه‌های نظریه‌پردازی و عملی به آن کم‌توجهی شده است. در این مقاله سعی شده است با اشاره به سیر تکوینی نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری، رویکرد برنامه‌ریزی و کالتی پل دیویدوف به عنوان یکی از اولین مبانی فکری در زمینه طرح مباحث اجتماعی، فرهنگی در زمینه برنامه‌ریزی شهری بررسی شود. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای، با استفاده از مطالعات میدانی، مصاحبه و پرسش‌نامه و استفاده از تکنیک SWOT در پی پاسخ به این سؤالات است: برنامه‌ریزی و کالتی در سیر تکوینی نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری از چه جایگاهی برخوردار بوده و اصول و الزامات آن کدام است؟ نحوه عملکرد آن چگونه است و در وادی عمل با چه مشکلاتی مواجه شده است؟ در ادامه، با بررسی نمونه موردی محله گلستان در شهر سبزوار به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا برنامه‌ریزی و کالتی در این محله می‌تواند در بهبود وضعیت و کیفیت زندگی ساکنان آن تأثیرگذار باشد؟ در نهایت نتایج این مقاله تنها راه مصالحه میان حرفه‌مندی (تخصص) و مسئولیت سیاسی را همان مفهوم و کالت دیویدوف معرفی می‌کند و این دیدگاه را یکی از مهم‌ترین نظریه‌های پیشگام در زمینه توجه به مسائل اجتماعی و مشارکت معرفی می‌کند. از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که محله گلستان در صورتی می‌تواند به توسعه پایدار دست یابد که اولاً ساکنان را برای انجام انواع طرح‌های مشترک، چه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و چه از نظر کالبدی و زیست‌محیطی یاری رساند؛ ثانیاً مدیریت شهری فعلی باید دیدگاه‌های سابق خود را رها کرده، با نگاهی سیستمی به شهر، به سوی مدیریت یکپارچه شهری و واگذاری اختیارات به مدیریت‌های محلی گام بردارد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی و کالتی، محله گلستان، مسائل اجتماعی، مشارکت، وکیل مدافع

مقدمه

در عصر جدید، پیشرفت روزافزون جوامع رویکرد حضور مردم در تصمیمات را به همه زندگی اجتماعی بسط داده است. عرصه‌های «حضور ساکنان در جامعه باز بر اساس تصمیمات شخصی آگاهانه و داوطلبانه صورت می‌گیرد» (پوپر، ۱۳۶۹: ۱۰۲). با وجود اندیشه فوق، این مسئله هنوز بروز و ظهور پیدا نکرده است. عوامل اجتماعی- فرهنگی، مدیریتی، قانونی- حقوقی و فضایی- کالبدی از جمله موانع آن به‌شمار می‌روند. حضور مردم در کنار برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی در آیند و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند بدل شوند (پیران، ۱۳۷۴: ۱۳۲). برای پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، لاجرم بایستی اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی منظم برنامه‌ریزی با مشارکت هدفمند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم. یکی از نظریات برنامه‌ریزی که گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته و با هدف تبیین جایگاه مباحث اجتماعی در نظریه‌های شهری و رویکرد مشارکتی تدوین شده است، برنامه‌ریزی و کالتی یا حمایتی است. برنامه‌ریزی حمایتی، گروه‌های مختلف شهری را دارای نیازهای متفاوتی می‌داند و برای هر یک برنامه‌ریزی ویژه‌ای لازم می‌بیند. باید برنامه‌ریزان نقش و کالای مدافع را بازی کرده و از حق و حقوق مردم دفاع کنند. مبنای برنامه‌ریزی حمایتی یا وکالتی ارائه خدمات و مهارت برنامه‌ریزی تخصصی به نفع گروه‌های اقلیت و فاقد توانایی مالی برای کسب چنین خدماتی بوده است (Campbell, 1997: 118). برنامه‌ریزان بایستی به دانش عمومی درباره عناصر اصلی تشکیل‌دهنده اجتماعات شهری مجهز شوند. برای این کار به آموزش‌های درازمدت، مداوم و هنرهای آزاداندیشی نیاز است تا بتوان دریافتی کل‌نگر از شرایط و تجزیه و تحلیل مسائل شهری به‌دست آورد (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). برنامه‌ریزان باید بیاموزند که چگونه به‌عنوان حامیان حرفه‌ای در روند سیاست‌های توسعه و عمران شهری شرکت جویند. برنامه‌ریزی حمایتی در تلاش است تا با غلبه بر موانع فرهنگی، طبقاتی و زبانی، گروه‌ها و اقشار ضعیف‌تر، اجتماع محلی را در ارتباط با مراجع ذی‌ربط یاری رساند (Birkland, 1992: 123). در این الگو، نوعی سازش و توافق میان منافع گوناگون و متضاد به وجود می‌آید. مشکل اساسی برنامه‌ریزی شهری، حل اختلاف میان منافع گروه‌هاست. گروه‌های ذی‌نفع از نظر قدرت سیاسی و اقتصادی یکسان نیستند و معمولاً گروه‌های قوی‌تر نقش مؤثرتری را در برنامه‌ریزی ایفا می‌کنند (Gullingworth, 1997: 90). بنابراین، مشارکت مردم در الگوی برنامه‌ریزی حمایتی به‌صورت نظارت و طرح پیشنهادها برای گروه‌های خاص توسط برنامه‌ریزان در جامعه نمود پیدا می‌کند. در این تحقیق، محله گلستان با جمعیت حدود ۷۶۵ نفر در مرکز شهر سبزوار به‌عنوان نمونه تحت مطالعه انتخاب شده است. این محله در طرح تفصیلی مصوب شهر در محدوده بافت فرسوده شهری قرار گرفته و به همین جهت، دارای بافتی با ساختمان‌های کاملاً ناپایدار است. محله گلستان به دلیل داشتن ریشه مشترک از نژاد کولی‌های هندی در ساکنان بافت، باعث شده است از نظر فرهنگی و رفتاری دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متفاوت از دیگر شهروندان سبزوار باشد. این تفاوت در فرهنگ باعث جدایی‌گزینی قومی ساکنان کوی گلستان از دیگر شهروندان سبزوار شده است؛ به‌طوری که تعاملات اجتماعی به‌ندرت بین آنها صورت می‌پذیرد و حتی تا امروز پیوند خویشاوندی بین این دو قشر ایجاد نشده است. اغلب ساکنان آن را روستاییان مهاجر با توان اقتصادی پایین

تشکیل می‌دهند. این محله به علت ماهیت حاشیه‌نشینی خود همواره با مشکلات عدیده شهری همچون تراکم زیاد جمعیت با توجه به زیربنای واحد مسکونی، بعد بالای خانوار، مسائل اجتماعی، کیفیت نامناسب واحدهای مسکونی، فرسودگی بافت، ضعف اقتصادی ساکنان و... مواجه بوده است. در این مقاله ضمن بررسی و نگاه کلی به نظریه‌های مطرح در حوزه برنامه‌ریزی شهری، نحوه نگرش و شیوه عمل هر یک از آنها درباره مباحث اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. این نظریه‌ها به‌عنوان زمینه و مقدمه‌ای برای طرح نظریه برنامه‌ریزی و کالتی مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، کاربرد برنامه‌ریزی و کالتی به همراه اصول و الزامات اساسی این نوع برنامه‌ریزی از دیدگاه صاحب‌نظران ارائه می‌شود. سپس با بررسی نمونه موردی اجرای برنامه‌ریزی و کالتی در محله گلستان شهر سبزوار و همچنین نقدهای وارد بر آن، در مقام پاسخ به این سؤال بر می‌آییم که آیا برنامه‌ریزی و کالتی در این محله می‌تواند در بهبود وضعیت و کیفیت زندگی ساکنان آن تأثیرگذار باشد؟ در همین راستا و در جهت ارائه پاسخ به سؤال یادشده، این فرضیه طرح شد که برنامه‌ریزی و کالتی با توجه اساسی به مشارکت مردم می‌تواند رهیافتی مؤثر برای بهبود وضعیت محله گلستان باشد.

چارچوب نظری تحقیق

در پرتو مبانی نظری برنامه‌ریزی شهری، الگوهای برنامه‌ریزی، سوابق و تجارب تحقیقاتی در سطح جهان و به‌ویژه ایران، می‌توان چارچوب نظری تحقیق را با در نظر گرفتن برخی شاخص‌ها ارائه کرد. مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری مستلزم طراحی الگوهایی است. در الگوی فن‌محور، برنامه‌ریزی‌ها از قبل انجام گرفته و تصمیم لازم گرفته می‌شود. تبادل نظر با مردم و گردآوری اطلاعات و نظرات عمومی زمانی صورت می‌گیرد که بخش مهمی از برنامه اجرا شده باشد. بنابراین، افکار عمومی مرجع تصمیم‌گیری قرار نمی‌گیرد. در این الگو، به دلیل تأکید بر وظایف کارکردی و اهمیت نظر متخصصان، مشارکت واقعی مردم و حضور فعال آنان در برنامه فراهم نیست. در الگوی گام‌به‌گام، شرکت‌ها و افراد قدرتمند به‌طور فزاینده‌ای از طریق سیستم‌های برنامه‌ریزی و تخصیص منابع، سهم بیشتری را در تهیه و اجرای طرح‌ها به‌دست می‌آورند و تأثیرات بیشتری بر تصمیم‌گیری‌ها دارند. در الگوی برنامه حمایتی، این برنامه‌ریزان شهری‌اند که باید همچون وکلای مدافع مردم از حق و حقوق آنها در مقابل قدرتمندان ذی‌نفع دفاع کنند. در الگوی برنامه‌ریزی جنسیت‌محور بر لزوم هماهنگی با مردم، پذیرش نظارت گروه‌ها و اقشار و همچنین توجه به ارزش‌ها، فرهنگ انسانی و تنوع فرهنگی در برنامه‌ها تأکید شده است. بنابراین، با بررسی نمونه برنامه‌ریزی و کالتی و بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آن، فواید و مشکلات این رویکرد در بافت گلستان شهر سبزوار تعیین شده است.

روش تحقیق

این پژوهش مبتنی بر مطالعات اسنادی (گزارش مقاله، کتاب و منابع اینترنتی علمی و قابل استناد) و میدانی (پرسش‌نامه، مشاهده، مصاحبه) است و با استفاده از روش کیفی و تکنیک (SWOT) جنبه‌های ذهنی و رفتاری مشارکت مطالعه شده است. تکنیک SWOT به این منظور اتخاذ شده است که وضعیت مشارکت در برنامه‌ریزی مدیریت شهری را به منظور

شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها برای به حداکثر رساندن قوت‌ها و فرصت‌ها و حداقل کردن ضعف‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندی در بافت گلستان بررسی می‌کند. نمونه آماری را ۸۱ نفر از سرپرستان خانواده درون بافت تشکیل می‌دهند که داوطلبانه در این امر مشارکت داشته‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مصاحبه حضوری بوده و توسط محققان مجرب انجام گرفته است.

مبانی نظری

سیر روند نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری

مورخان برنامه‌ریزی طرح هوسمان برای پاریس را که در اواسط قرن نوزدهم صورت گرفت، خاستگاه برنامه‌ریزی شهری مدرن می‌دانند. اما شروع برنامه‌ریزی مدرن را می‌توان به اواخر قرن نوزدهم نیز نسبت داد؛ یعنی زمانی که نهضت بهبود مسکن و بهداشت شهری در آلمان، بریتانیا و آمریکا در حال شکل‌گیری بود. از آن زمان تا به حال در برنامه‌ریزی شهری تغییر و تحولات بسیاری رخ داده است (Neuman, 1998: 209). مرور متون مرتبط با موضوع از آغاز قرن بیستم، سه دوره نظریه‌پردازی متمایز از هم را تا اواسط دهه ۱۹۷۰ از یکدیگر باز می‌شناسد:

دوره اول: در این دوره هیچ نوع نظریه برنامه‌ریزی وجود نداشت. آموزش برنامه‌ریزی مترادف با آموزش تولید طرح‌های فیزیکی ایستاد و نه تدریس روش‌ها و فرایندهای آن بود. فرایند و رویه در این دوره از جمله مفاهیم بسیار نامأنوس‌اند. شاید شناخته‌شده‌ترین و شاخص‌ترین اندیشمند در برنامه‌ریزی این دوره پاتریک گدس باشد که بیشتر از همه ساختاری منطقی به برنامه‌ریزی بخشید و نمایندگان دیگری چون پاتریک آبرکرومبی و توماس آدامز از وی پیروی کردند (Faludi, 1982). از حدود سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ مراحل کلاسیک برنامه‌ریزی که به همه دانشجویان تدریس می‌گردید، در سه مرحله برداشت و تحلیل خلاصه می‌شد و اولین بار به وسیله پاتریک گدس تدوین و تدریس می‌گردید (Hall, 1989: 274). این دوره همان‌گونه که بتی از آن یاد می‌کند، دوره طلایی برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزان رها از هرگونه نزاع و برخورد سیاسی و با اطمینان تام و تمام از توان و ظرفیت فنی خود، سوار بر حرفه به جلو می‌تاختند (اسدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

دوره دوم: در این دوره تحولات و خواست‌ها و نیازهای جدید نیرویی برای تغییر پارادایم بودند. در طرف عرضه نیز به همین ترتیب تحولات بسیاری در حال وقوع بود. در اواسط دهه ۱۹۵۰ انقلابی عقلایی در تمام حوزه‌های علوم اجتماعی، منطقه‌ای و شهری به وقوع پیوست (مجموعه نظریه‌های محتوایی و رویه‌ای) که برنامه‌ریزان از این تحولات بسیار متأثر شدند. در این دوره به تدریج آثار افرادی مانند وان تونن (۱۸۲۶) در کشاورزی، آلفرد وبر (۱۹۵۹) در صنعت، کریستالر (۱۹۳۳) (نظریه مکان مرکزی) و لوش (۱۹۴۰) (نظریه عمومی مکانی) مطرح شد. در آمریکا دانشگاهیان در پی تحقیق و یافتن نظم‌هایی در عناصر فضایی برآمدند. جغرافی‌دانان به تبعیت از پوزیتیویسم منطقی اظهار داشتند که موضع آنها مرتبط با توصیف کامل تمایزات سطح زمین است که باید با فرضیه‌پردازی درباره پراکندگی فضایی و آزمون آنها تکمیل

شود. این تحولات باعث شد که کارگزاران دولتی در سال ۱۹۵۰ پیشنهاد کنند تا در محتوای آموزش برنامه‌ریزی توجه بیشتری به علوم اجتماعی و تحلیل‌های مکانی معطوف گردد (Hall, 1996: 365). در این دوره نظریه برنامه‌ریزی سیستمی شکل گرفت. نظریه سیستمی یا برنامه‌ریزی رویه‌ای مبتنی بر نظریه‌ای از جامعه است که توافق در آن از پیش مفروض است. طرفداران این نظریه جامعه را به صورت کلیتی ارگانیک در نظر می‌گیرند که بیشتر از مجموعه افراد و گروه‌هایی است که در آن وجود دارند. از طرف دیگر، مخالفان آنها جامعه را مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها می‌دانند. این نظریه به دیدگاه تکثرگرا یا ذره‌گرا به جامعه معروف است. در جامعه ارگانیک تضاد بر سر ارزش‌ها و منافع وجود ندارد و جامعه و کارشناسان و کارگزاران برنامه‌ریزی به درک واحدی از مسئله، اهداف و منافع عمومی رسیده‌اند (Faludi, 1973:113).

دوره سوم: ادعاهای برنامه‌ریزان سیستمی در ارائه نظریه یکپارچه و منسجم برای تبیین و درک پدیده‌های مختلف و تجویز راه‌حلی برای مسائل، با انتقاد شدیدی مواجه گشت. دهه ۱۹۷۰ نه تنها شاهد در هم ریختن نظریه برنامه‌ریزی رویه‌ای و دیدگاه سیستمی بود، بلکه دیگر مواضع نظری نیز نقایص آشکاری را از خود نشان داد. به این ترتیب، دیگر نمی‌توان با غلبه نظریه و پارادایم واحدی رویه‌رو بود (Healey et al., 1982). بعد از نظریه برنامه‌ریزی رویه‌ای یا دیدگاه سیستمی، نظریه‌های مختلفی در برنامه‌ریزی شهری تا اواسط دهه ۱۹۷۰ از هم باز شناخته شده‌اند که در این دوره هر یک با انتقاداتی که به نظریه سیستمی از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و معرفت‌شناختی وارد کردند، شکل و هویتی متمایز یافتند. یکی از این نظریات نظریه برنامه‌ریزی و کالتی است و هدف از نگارش این مقاله بررسی این نوع از نظریات برنامه‌ریزی بوده است.

در جدول ۱ روند تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری از ابتدای قرن بیستم تاکنون ارائه شده است:

جدول ۱. روند تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری تاکنون

دیدگاه سوم ۱۹۸۰ و پس از آن	دیدگاه دوم ۱۹۶۰-۱۹۸۰	دیدگاه اول ۱۹۶۰-۱۹۲۰	ابعاد
برنامه‌ریزی مشارکتی	برنامه‌ریزی جامع	برنامه‌ریزی بخشی کالبدی	نوع برنامه‌ریزی
بسیج اجتماعی	هدایت اجتماعی	اصلاح اجتماعی	هدف برنامه‌ریزی
تسهیل‌گر آینده‌شناس	دانای کل طراح سیستم	دانای کل مشاور خردمند	برنامه‌ریز

(اجلایی و همکاران، ۱۳۹۱)

در جدول ۲ الگوهای برنامه‌ریزی بعد از دهه ۱۹۷۰ معرفی شده است.

جدول ۲. الگوهای برنامه‌ریزی بعد از دهه ۱۹۷۰

ابعاد نوع برنامه‌ریزی	جامعه محلی	الگوی مشارکت	جایگاه برنامه	فرایند	شیوه‌های مطلوب	نقش جامعه محلی	نقش ایدئال دولت
فن محوری با جامع	تعمیم منابع توسط متخصص	مشاوره با متخصصان	راه‌حل بهینه	ارزیابی عملی	هزینه‌... فایده اثرات زیست‌محیطی	همکاری در فرایند عملی	اهمیت تخصص و دیگر سیاست‌های
گام به گام یا آزادی خواهانه	منافع و اولویت‌های فردی	انتخاب مصرف کننده	تعیین الویت عمومی	نماینده دموکراتیک	تحقیق و مشارکت	همکاری به شیوه کثرت‌گرا	منافع متضاد متوازن
وکالتی یا حمایتی	گروه‌های اقلیت (مورد تهدید)	بیان نظرها و پیشنهادها	تضمین دسترسی به تصمیم‌گیری	قانون تحکمی	راه کارهای آموزشی و تحکیم‌آمیز	برنامه‌ریزی اعتراض، مخالفت کارشکنی	توزیع ثروت و قدرت
جنسیت محور محیطی	نظام‌های اجتماعی و اکولوژی	طراحی گروهی	تسهیل بیولوژی منطقه‌ای جهانی	ارتباطی	خودیاری و اختیار	خودمختاری و استقلال فردی	تأمین نیاز اساسی
واحدهای همسایگی	حوزه عمومی	طراحی گروهی	تعیین اولویت‌های عمومی	ارتباطی - مشارکتی	توانمندی ابزارهای شبیه‌سازی	کثرت‌گرایی در فرایند تصمیم‌گیری	توزیع قدرت در اجتماعات محلی

(Birkland jenis, 1992)

نظریه برنامه‌ریزی وکالتی

مطالبات عادلانه آمریکاییان آفریقایی تبار (سیاهان) و مردم فقیر آمریکا برای برابری سیاسی و اجتماعی، نیاز به ایجاد پایه‌های جامعه‌ای که فرصت‌های برابر برای همه شهروندان فراهم آورد را به عموم مردم یادآوری می‌کند و نیاز مبرم به برنامه‌ریزی هوشمندانه به منظور تعیین اهداف نوین و همین‌طور وسایل نوین برای تحقق آن اهداف، واضح و مبرهن جلوه می‌نماید (Davidoff, 1996: 305). از این رو، برنامه‌ریزی وکالتی اصطلاحی بود که پال دیویدوف برای نخستین بار آن را در مقاله‌ای در مجله انجمن برنامه‌ریزان آمریکا به کار برد (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۷). این نظریه در نیمه دوم دهه شصت شکل گرفت و در دهه هفتاد مورد اقبال و توجه قرار گرفت و در انگلستان و آمریکا با جرح و تعدیل‌هایی به اجرا درآمد. به نظر پال دیویدوف، برنامه‌ریزان نقش وکلای طرف‌های دعوا در دادگاه را بر عهده دارند. آنها از مواضع موکلین خود اعم از افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها دفاع می‌کنند (Allmendinger, 2002: 147). دیویدوف ضرورت تجدیدنظر در دیدگاه‌های سنتی برنامه‌ریزی را امری ضروری قلمداد می‌کند و به ویژگی‌های دیدگاه نوین می‌پردازد که در حقیقت گزاره‌های اصلی نظریه وکالتی برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند. اصلی‌ترین این گزاره‌ها عبارت است از اینکه

موضع سنتی، برنامه‌ریزی را فعالیتی فنی می‌داند و نه سیاسی؛ اما نتایج برنامه‌ریزی که بر این اساس انجام می‌گیرد به‌هیچ‌وجه غیرسیاسی نیست. بر عکس پیامدهای این اقدامات که ممکن است به نظر انجام‌دهندگانشان اقداماتی فنی باشند، برای آنها که برایشان برنامه‌ریزی می‌شود، کاملاً سیاسی است. دیویدوف برای اثبات ادعای خود به مطالعاتی که دربارهٔ طرح‌های شهری در انگلستان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شده اشاره می‌کند. لذا اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین نظریهٔ برنامه‌ریزی و کالتی با برنامه‌ریزی‌های سنتی انجام دهیم، جدول ۳ بیانگر این مقایسه به شرح ذیل است:

جدول ۳. مقایسهٔ نظریهٔ برنامه‌ریزی و کالتی و برنامه‌ریزی سنتی

برنامه‌ریزی سنتی	برنامه‌ریزی و کالتی
<ul style="list-style-type: none"> • سیاسی • توجه به دیدگاه برنامه‌ریزی • عقل‌گرا و وجود برنامه‌ریز به‌عنوان تنها فرد متخصص و تصمیم‌گیر • تهیهٔ برنامهٔ واحد توسط ادارات برنامه‌ریزی دولتی 	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به گروه‌های هدف و منافع وی • توجه به دیدگاه برنامه‌ریز و اشاعهٔ آن • برنامه‌ریز به‌عنوان وکیل دولت، گروه‌ها، سازمان‌ها یا افرادی که برای آیندهٔ جامعه پیشنهادهایی دارند • برنامه‌ریزان به‌عنوان نماینده یا وکیل گروه‌های هم‌منفعت گوناگون • شنیدن صدای شهروندان و فهم زبان فنی برنامه‌ریزان و واکنش به آن

(اجلایی و همکاران، ۱۳۹۱)

برنامه‌ریزی و کالتی عمدتاً در طرح‌های شهری در آمریکا و انگلستان تحقق پیدا کرده است. در انگلستان اتحادیهٔ برنامه‌ریزان برای محله‌ها، اجتماعات یا شهرهای کوچک فقیری که از سوانح طبیعی آسیب‌دیده یا نیازمند نوسازی بوده‌اند، مشاورهٔ برنامه‌ریزی تأمین می‌کرده که عبارت بوده است از خدمات مشاوره‌ای طراحی و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ محلی که به‌طور رایگان در اختیار سازمان‌های غیردولتی قرار می‌گرفته است. این فکر در آغاز دههٔ هفتاد میلادی در انگلستان مطرح شد و از نیمه‌های این دهه مراکز خدمات برنامه‌ریزی در جای‌جای این کشور تأسیس شد. در سال ۱۹۸۷ حدود ۴۰۰ برنامه‌ریز خدمات خود را به ۱۲۰۰۰ مشتری ارائه می‌کردند. بدون اینکه از بودجهٔ دولتی استفاده کنند. این خدمات داوطلبانه گاه به شکل مشاوره از راه دور، گاه به‌صورت بحث و گفت‌وگو با مردم محل و ارائهٔ طرح به مقامات محلی و گاه به‌صورت آموزش و راهنمایی مردم محل برای استفاده از خدمات مشاوران و پیمانکاران دیگر بوده است. اما در آمریکا برنامه‌ریز و کالتی به‌عنوان نماینده و وکیل مردم محلی عمل می‌کند و به اندازهٔ کافی تجزیه شده است. این تجربیات نشان می‌دهند که عوامل متعددی در نقش مانع تحقق برنامه‌های و کالتی عمل می‌کرده‌اند؛ از جمله:

۱. سرمایه‌داران مستغلاتی که چشم‌انداز معاملات پرسود زمین و مستغلات را بر ایجاد سکونتگاه‌های مناسب برای مردم فقیر ترجیح می‌داده‌اند.
۲. مردم معمولی که نگران کاهش قیمت ملک خود بوده‌اند.

۳. پروژه‌ها و طرح‌های تصمیم‌گیری شده از بالا که معمولاً منافع اقلیت‌های قومی و نژادی، زنان و مردم فقیر را در برنامه‌ریزان و کالتی برای طراحی محلات و فضاهای شهری مناسب زندگی مردم فقیر در نظر نمی‌گرفتند.

۴. نبود مدافعان پر قدرتی در میان مقامات سیاسی از اقصای کم‌درآمد.

با وجود این، صاحب‌نظران بر این باورند که فکر تجربه برنامه‌ریزی کثرت‌گرا و وکالتی با موضوع حمایت و دفاع از منافع مردم فقیر، تأثیر عمیقی در جامعه آمریکا بر جا گذاشته است. آلمن دینگر می‌نویسد: «تغییراتی که از دهه ۱۹۵۰ به بعد به وقوع پیوسته، راه را برای جلب مشارکت بیشتر مردم در برنامه‌ریزی باز کرده است. در این میان برنامه‌ریزی وکالتی الگوی قدرتمندی بوده است که البته نتایج متناقضی داشته است. منصفانه است اگر بگوییم که امروزه بیش از هر زمان دیگری برنامه‌ریزی تکثرگرا است، هرچند هنوز هم با این مسئله روبه‌رو هستیم که نهایتاً فقط یک طرح می‌تواند اجرا شود» (Allmendinger, 2002:154).

برنامه‌ریز؛ وکیل اجتماعات شهری یا روستایی

برنامه‌ریز به‌عنوان یک متخصص نقش وکیل اجتماعات شهری یا روستایی، گروه‌های شغلی، قومی و نژادی، شهرها، منطقه‌ها یا حتی کشورها را بر عهده می‌گیرد. نکته مهم در اینجا است که برنامه‌ریز که وکیل یک گروه یا اجتماع می‌شود، می‌بایست ارزش‌ها، منافع و اولویت‌های آن گروه را باور داشته باشد، با آنها همدردی کند، به نفع اهداف آنها تبلیغ کند و در جهت تحقق اهدافشان بکوشد. به سخن دیگر، کافی نیست که برنامه‌ریز به هنگام تهیه طرح و برنامه به ارزش‌های مشتریان توجه کند، بلکه می‌بایست به این ارزش‌ها متعهد باشد و از آنها دفاع کند. به این ترتیب، گروه‌های مختلف اجتماعی می‌توانند برنامه‌ریزان خود را داشته باشند و هر کدام برنامه‌های خود را تهیه و به مقامات شهری یا منطقه‌ای و کشوری پیشنهاد دهند.

دیویدوف سه حسن برای این شیوه تشخیص می‌دهد:

۱. اولین فایده این است که مردم از گزینه‌های گوناگونی که برای توسعه محله، شهر یا منطقه آنها وجود دارد، آگاه می‌شوند، به‌ویژه اینکه پشت سر هر یک از این گزینه‌ها گروهی از مردم وجود دارند که از آنها دفاع می‌کنند.

۲. دومین فایده این شیوه، ارتقای کیفیت برنامه است؛ زیرا وقتی برنامه‌ریز می‌داند که رقابلی دارد که آنها نیز مثل خود او مشغول تهیه برنامه‌اند، تنها راهی که برای موفقیت پیش پای او قرار دارد، بالا بردن کیفیت کارش است، با این امید که برنامه او که در حقیقت برنامه یک گروه اجتماعی است، انتخاب شود.

۳. فایده سوم این است که کسانی که همیشه از وضع موجود برنامه‌ریزی انتقاد می‌کنند، حالا می‌توانند بخت خود را برای تهیه برنامه‌های بهتر بیازمایند و دیگر تنها وظیفه آنها انتقاد از برنامه‌های به نظر ایشان «غلط» نباشد (Campbell and Fainstein, 1996).

اما در نهایت، پس از گردآوری نظر مردم می‌بایست بهترین گزینه به شیوه‌ای انتخاب گردد. شیوه‌گزینی که دیویدوف پیشنهاد می‌کند، شبیه تکنیک حقوقی بررسی مقایسه‌ای است. متأسفانه وی درباره این شیوه توضیح زیادی

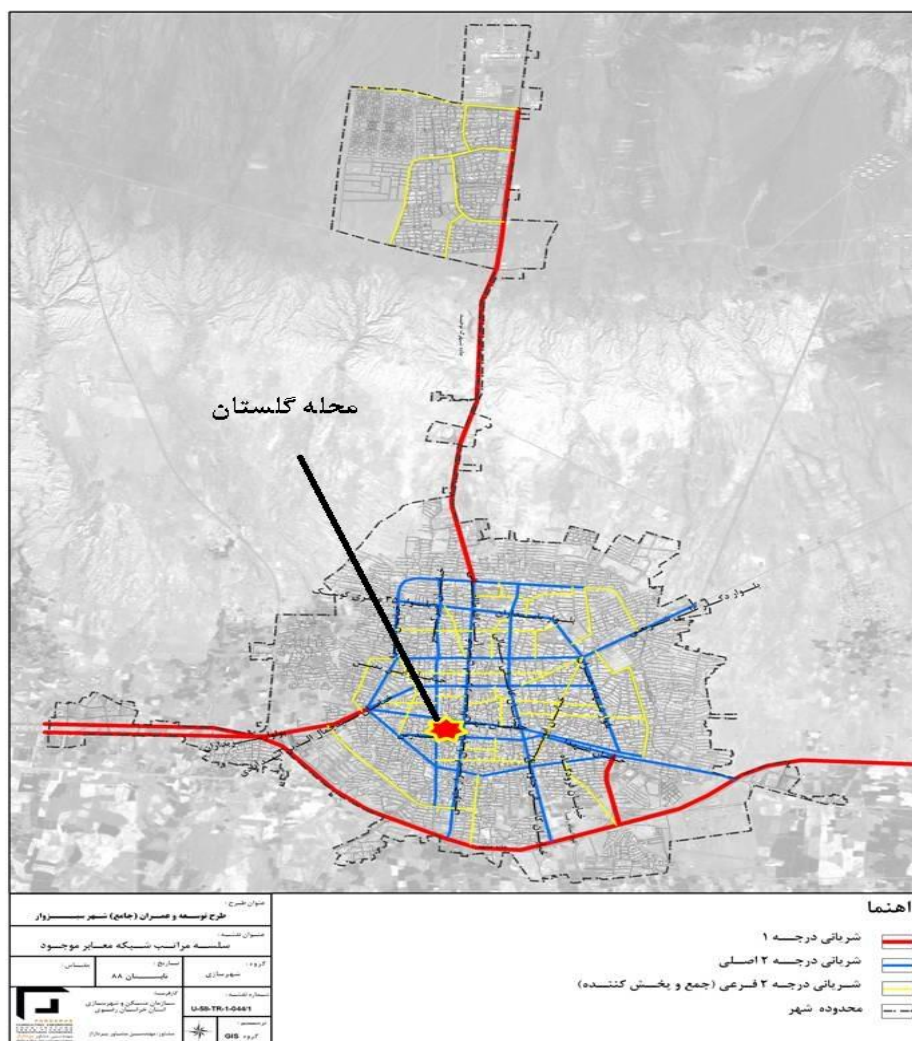
نمی‌دهد، ولی ظاهراً منظورش مقایسه و ارزیابی توأم روش‌ها، ارزش‌ها و منافع است. خود او اذعان می‌کند که این روش سخت و پرهزمتی برای برنامه‌ریزان است؛ اما «... در عوض محصول خالص این رویارویی میان مدافعان برنامه‌های رقیب، آزمونی دقیق‌تر و عمیق‌تر از هر شیوه دیگری است» یک بعد دیگر مسئله، نوع سازمان‌های درگیر در برنامه‌ریزی و کالتی است. وی از سه نوع سازمان نام می‌برد: احزاب سیاسی، سازمان‌ها و گروه‌های هم‌منفعت مشخص و بالاخره سازمان‌های موقت. احزاب سیاسی در یک ناحیه بر اساس ارزش‌های خود برنامه توسعه تهیه می‌کنند. گروه‌های هم‌منفعت خاص مثل اتاق‌های بازرگانی، اتحادیه‌ها و غیره، اگر بر تفرقه و پراکندگی که معمولاً بین آنها هست فائق آیند، می‌توانند برنامه‌های رقیب خود را ارائه دهند و سرانجام گروه‌های موقت که برای مقابله با یک وضعیت خاص مثل ساخت یک اتوبان، وقوع زلزله، تأسیس یک مرکز تجاری بزرگ و غیره تشکیل می‌شوند، نیز می‌توانند وارد بازی شوند. طرف دیگر، نهاد حکومتی شهری یا منطقه‌ای است که نقش داوری داشته، انتخاب طرح‌ها را مدیریت می‌کند، اجرای برنامه را بر عهده می‌گیرد و هماهنگی با سیاست‌های ملی و شهری را تضمین می‌کند. خود نیز می‌تواند برنامه پیشنهادی داشته باشد و در رقابت شرکت کند. هزینه تهیه طرح‌ها می‌تواند از طرف دولت مرکزی، شهرداری، اتحادیه برنامه‌ریزان یا خود برنامه‌ریزان داوطلب یا سازمان‌های غیردولتی و مردم محل تأمین شود (Davidoff, 1965). لذا می‌توان جمع‌بندی زیر را در خصوص نوع نگاه برنامه‌ریزی و کالتی در مقایسه با دیگر شیوه‌های برنامه‌ریزی که قبل از آن، تنها با نگاه یک متخصص و حرفه‌مند وارد مباحث شهری می‌شده‌اند، به صورت جدول ۴ ارائه کرد.

جدول ۴. مقایسه نوع برخورد برنامه‌ریزی و کالتی در مقایسه با دیگر نظریه‌های برنامه‌ریزی

نگاه برنامه‌ریزی به عنوان یک حرفه	نگاه برنامه‌ریزی به عنوان یک وکیل مدافع
• مهارت	• حضور گسترده عموم
• قابلیت حل مسائل	• نیاز به مشارکت
• کار در جهت منافع عمومی	• نیاز به کاهش قدرت برنامه‌ریز
• توجه به تکنیک و فن	• عدم تأمین منابع مالی برای مشارکت
• به‌جای مسائل سیاسی	• نگاه پایین به بالا
• نگاه از بالا به پایین	• حضور سیاست و احزاب سیاسی
• مشاوره به‌جای مشارکت	• جمع‌بندی موضوعات بر اساس
• ایجاد موقعیت	• نظرات عامه نه نظرات فرد
• ایجاد قدرت	
• پول	
• نیاز به امنیت شغلی	

شناخت وضع موجود

استان خراسان رضوی واقع در شمال شرقی کشور و یکی از جدیدترین استان‌های ایران است که از تقسیم استان خراسان بزرگ به وجود آمده است. شهرستان سبزوار غربی‌ترین شهرستان استان خراسان رضوی است و ۴۶ روستا در محدوده حوزه نفوذ شهر سبزوار دارد. سبزوار مرکز شهرستان سبزوار است. این شهر در مسیر ارتباطی تهران - مشهد قرار گرفته است که فاصله آن تا مشهد از جدیدترین راه ارتباطی حدود ۲۲۰ کیلومتر و از تهران حدود ۶۶۴ کیلومتر است (طرح جامع شهر سبزوار، ۱۳۸۹). محله گلستان با جمعیتی در حدود ۷۶۵ نفر در شهر سبزوار واقع است. این محله با وسعت ۶/۷ هکتار به عنوان یکی از محلات واجد رویکرد نوسازی و بهسازی در طرح تفصیلی شهری معرفی شده است.

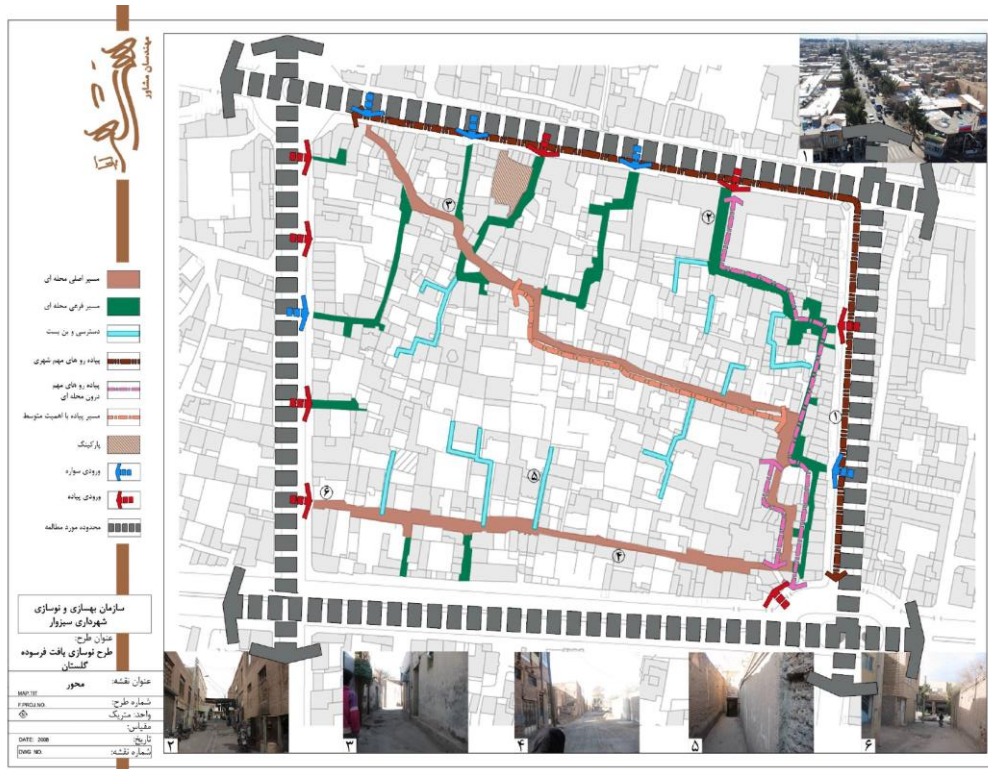


نقشه ۱. موقعیت محله گلستان در شهر سبزوار

منبع: طرح جامع شهر سبزوار، ۱۳۸۹

حدود این بافت از شمال منتهی است به خیابان بیهق حد فاصل دروازه عراق تا چهارراه بیهق، از شرق خیابان اسرار حد فاصل چهارراه بیهق تا میدان اسرار، از جنوب به بلوار مدرس از میدان اسرار تا چهارراه مدرس و از غرب خیابان

عطاالملک از چهارراه مدرس تا میدان دروازه عراق. تاریخچه شکل‌گیری این بافت به زمانی بر می‌گردد که شهر بین چهار دروازه ارگ در جنوب نیشابور در شرق سریر در شمال و عراق در غرب و تعدادی برج و بارو و خندق محصور بوده است. از بناهای با ارزش این بافت می‌توان به سرای معمارزاده و مدرسه فخریه اشاره کرد.



نقشه ۲. بافت محله گلستان

منبع: طرح نوسازی بافت فرسوده گلستان، ۱۳۹۱

جدول ۵ مشخصات جمعیتی بافت گلستان نسبت به شهر سبزوار را نشان می‌دهد.

جدول ۵. مشخصات جمعیتی بافت گلستان نسبت به شهر سبزوار

شرح	جمعیت	تعداد خانوار	بعد خانوار	نوع خانوار
			معمولی ساکن	گروهی
بافت گلستان	۷۶۵	۲۰۵	۳/۷	۲
شهر سبزوار	۲۱۴۵۸۲	۵۷۰۸۱	۳/۷	۱۲۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰

به‌طور کلی می‌توان گفت شغل اکثر افراد ساکن در محله خراطی و آهنگری است و چند نفر دیگری نیز به رنگرزی، پالان‌دوزی و اخیراً فروش لباس در کنار خیابان مشغول‌اند. غربت‌های آهنگر نیز وسایل آهنین از قبیل کارد، دست‌اره، داس، شبله، علف‌تراش، انبر، خاک‌انداز، چهارشاخ آهنین و دیگر وسایل خانگی و زراعتی مورد نیاز مردم را می‌سازند. زنان

غربت‌ها هم علاوه بر خانه‌داری در تحصیل روزی به شوهران کمک می‌کنند. بعضی زنان صنایع سبک‌دستی می‌سازند و بعضی در کنار خیابان‌ها بساط گسترده و اشیاء فلزی از قبیل کارد و چاقو و رنده و قندشکن و... می‌فروشند. اکنون، اگر بخواهیم آشنایی اجمالی با ویژگی‌های این بافت داشته باشیم، در مجموع، محدوده تحت مطالعه دارای ویژگی‌های زیر است:

جدول ۶. ویژگی‌های محدوده تحت مطالعه

نام نظام تحت بررسی	ویژگی‌ها	تصاویر موردی
نظام عملکرد و فعالیت	<ul style="list-style-type: none"> • درهم آمیختگی سکونت و فعالیت ساکنان قدیمی • سطح قابل توجه اراضی بایر، مخروبه و متروکه • هم‌جواری با معابر اصلی مرکز شهر به ویژه در شمال و شرق و همچنین جذب طیف وسیعی از خدمات مرکز شهر • کم بودن خدمات موردنیاز در مقیاس محله‌ای • نزدیکی به بازار اصلی شهر و عناصر تاریخی مهم شهر و دوچندان شدن اهمیت محدوده 	
نظام دسترسی	<ul style="list-style-type: none"> • موقعیت مناسب بافت گلستان در ارتباط با چهار محور جمع و پخش‌کننده با اهمیت • تراکم ترافیک و نقش مقصدی و عبوری توأم محورهای محیطی به ویژه دو راستهٔ بیهقی و اسرار • ناهماهنگی محورها و پیاده‌راه‌ها با ویژگی بازار و مرکز شهری • عدم کفایت مسیرهای درون بافت و نفوذپذیری کم بلوک‌های مسکونی • کیفیت نامناسب و غیراستاندارد محورهای دسترسی • اختلاف سطح بافت با محورهای محیطی و اختلال در تأمین دسترسی • وجود راسته‌های عملکردی مبتنی بر حرکت پیاده در داخل بافت 	
نظام منظر شهری	<ul style="list-style-type: none"> • امکان تقویت محورهای دید به عناصر تاریخی مهم و ارتقای خوانایی از این طریق • انقطاع دید به عناصر تاریخی بارزش از درون سایت • وجود تنوع بصری در بافت گوناگونی گونه‌های مسکونی، کالبد ساختمان‌ها، ارگانیک بودن مسیرها ... و • از میان رفتن پیوستگی جداره‌ها به دلیل وجود دانه‌های خالی زمین‌های بایر در میان بافت • وجود یکنواختی در خط آسمان بناها اکثر بناها ساختمان‌های یک طبقه و یا دو طبقه 	

ادامه جدول ۶. ویژگی‌های محدوده تحت مطالعه

تصاویر موردی	ویژگی‌ها	نام نظام تحت بررسی
	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد اغتشاشات بصری در جداره‌ها به دلیل قرارگیری بیش از حد محصولات در فضاهای همگانی موجود • ایجاد بیخ‌زدگی در معابر به دلیل عرض کم آنها • تجمع فعالیت‌های با کیفیات نامناسب کالبدی و زیست‌محیطی، به خصوص در نیمه شرقی • نبود سیستم مناسب دفع آب‌های سطحی در پیاده‌روهای محدوده • نبود امنیت کافی در کوچه‌پس‌کوچه‌های کوی گلستان • نبود مبلمان شهری مناسب؛ • ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی • ایجاد پاتوق‌هایی در گوشه و کنار بافت 	نظام فضاهای همگانی
	<ul style="list-style-type: none"> • قرار گرفتن در مرکز شهر و هم‌جواری با بازار • وجود ضریب اشتغال بالاتر از شهر در محله • بالا بودن ارزش زمین به‌طور بالقوه در محله به دلیل نزدیکی به بازار و قرار گرفتن در مرکز شهر • نفوذ فعالیت‌های مقیاس شهری از پیرامون به درون محله مثل انبارها • سطح نازل درآمدی در بین خانوارها • عدم رشد اقتصادی محله متناسب با رشد شهر • پایین بودن متراژ املاک و کوچک بودن ابعاد زمین‌ها • نبود سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه فعالیت‌های خدماتی و تجاری • وجود نیروی کار فعال 	نظام اقتصادی
	<ul style="list-style-type: none"> • وجود نهادهای متعدد مدیریتی مانند: <ul style="list-style-type: none"> - سازمان عمران و بهسازی شهری - شرکت‌های مادر تخصصی عمران و بهسازی شهر - شرکت عمران و مسکن‌سازان منطقه شرق - شورای اسلامی شهر سبزوار - شهرداری - سازمان بهسازی و نوسازی شهر سبزوار 	نظام مدیریتی

همه موارد ذکر شده در جدول بالا بیانگر این مطلب است که این محله همواره با مشکلات شهری زیادی دست‌به‌گریبان بوده است. این شرایط باعث شده است این محله، از محلات نامطلوب شهر شناخته شود.

تجزیه و تحلیل کاربرد رویکرد برنامه‌ریزی و کالتی در محله گلستان

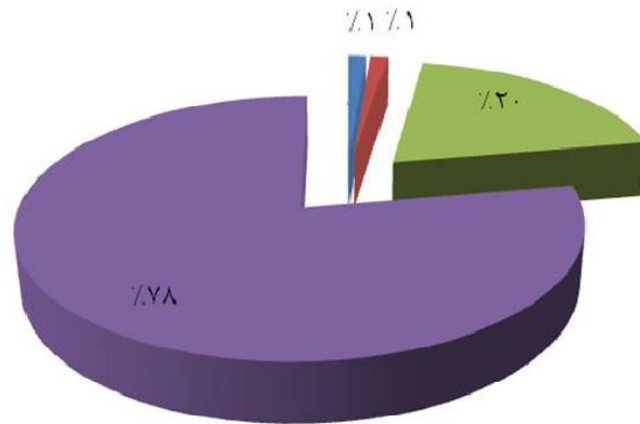
در محدوده تحت مطالعه، به منظور دفاع از حق و حقوق مردم ساکن و در راستای اهداف برنامه‌ریزی و کالتی تیم برنامه‌ریزان شهری شکل گرفته و به شرح جدول ۷ اقدامات زیر را انجام دادند:

جدول ۷. اقدامات صورت پذیرفته در در محله گلستان در راستای اهداف برنامه‌ریزی و کالتی

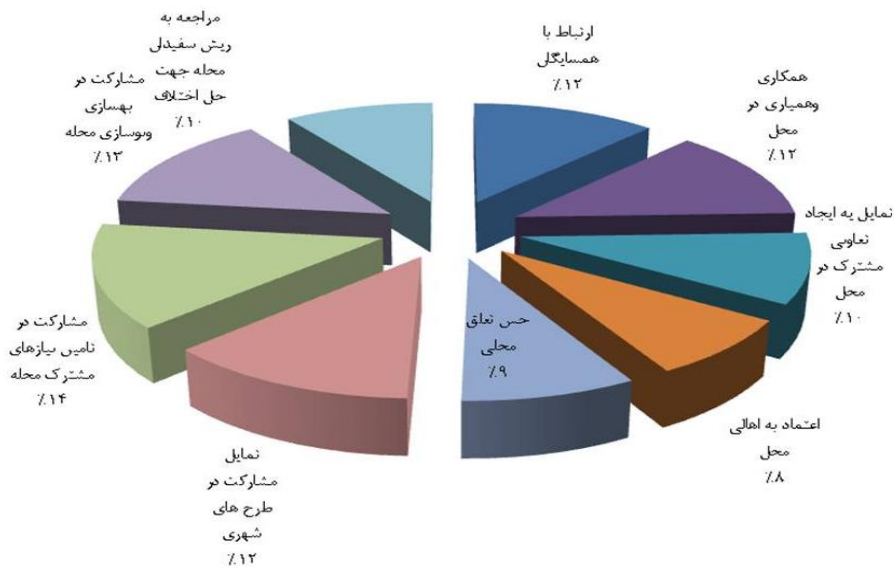
اهداف برنامه‌ریزی و کالتی	اقدامات صورت پذیرفته در محله گلستان
<ul style="list-style-type: none"> توجه به گروه‌های هدف و منافع وی 	<ul style="list-style-type: none"> دعوت از ریش‌سفیدان محله و ۸۱ نفر از سرپرستان خانواده و برگزاری جلسات آموزشی و هم‌اندیشی در مسجد محله گلستان
<ul style="list-style-type: none"> توجه به دیدگاه برنامه‌ریز و اشاعه آن 	<ul style="list-style-type: none"> آموزش شیوه مشارکت و ارائه نظرات مردمی آموزش شیوه‌های برنامه‌ریزی برای ایجاد یک محله مطلوب
<ul style="list-style-type: none"> برنامه‌ریز به‌عنوان وکیل دولت، گروه‌ها، سازمان‌ها یا افرادی که برای آینده جامعه پیشنهادهایی دارند 	<ul style="list-style-type: none"> انتخاب برنامه‌ریزان از سوی شهرداری و شورای شهر و سازمان بهسازی و نوسازی شهر سبزوار به‌صورت مشترک انتخاب ۸۱ نفر از سرپرستان خانواده‌ها در محله برای کمک به برنامه‌ریزی
<ul style="list-style-type: none"> برنامه‌ریزان به‌عنوان نماینده یا وکیل گروه‌های هم‌منفعت گوناگون 	<ul style="list-style-type: none"> قرارگیری برنامه‌ریزان در کنار سرپرستان خانواده در جلسات تشکیل شده در مساجد به‌عنوان راهنما و همراه برای برنامه‌ریزی مطلوب حضور برنامه‌ریزان در جلسات تصمیم‌گیری تشکیل شده در محل شهرداری و شورای شهر به‌عنوان وکیل مدافع مردم محله برقراری ارتباط بین مردم محله و مدیریت شهری توسط برنامه‌ریزان و ایجاد تعامل اجتماعی محله با افراد خارج از محله (اتفاقی که تا آن زمان محقق نشده بود)
<ul style="list-style-type: none"> شنیدن صدای شهروندان و فهم زبان فنی برنامه‌ریزان و واکنش به آن 	<ul style="list-style-type: none"> برگزاری جلسات آموزشی نحوه مشارکت برای مردم ساکن در محله تکمیل پرسش‌نامه‌ها به‌منظور تعیین نیازهای مردم ساکن محله حضور درون بافت و مصاحبه با ساکنان محلی ارتباط با رسانه‌های عمومی برای رساندن صدای ساکنان محلی به مدیران شهری و مدیران کشوری شنیدن صدای مردم و نیازهای آنها و لحاظ در طرح‌های برنامه‌ریزان و تشریح آن به زبان عامیانه برای ساکنان

در ادامه، با برگزاری جلسات متعدد هم‌اندیشی با ساکنان محله و تکمیل پرسش‌نامه توسط ۸۱ نفر از سرپرستان خانواده‌ها در محدوده تحت بررسی، نتایج نمودارهای ۱ و ۲ به‌دست آمده است.

فروش بازسازی نوسازی بستگی به برنامه شهرداری



نمودار ۱. درصد تمایل به تغییر بافت



نمودار ۲. درصد تمایل به مشارکت در بافت

آنچه از جدول‌ها و نمودارهای بالا می‌توان استنباط کرد، وجود سرمایه اجتماعی و توان بالا به‌صورت بالقوه برای برنامه‌ریزی با مردم در محله است. برای مثال، می‌توان از وجود همکاری و همیاری زیاد در محله یا از تمایل مردم برای مشارکت در طرح‌های شهر، برای کاهش هزینه‌های اجرایی و مالی طرح‌های شهری استفاده لازم را برد. همچنین با توجه به بررسی‌های برنامه‌ریزان، می‌توان قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای محله از نگاه ساکنان را به‌صورت جدول ۸ جمع‌بندی کرد.

جدول ۸. جدول SWOT محله گلستان

معیار	قوت	ضعف	فرصت	تهدید
اجتماعی - فرهنگی	۱. وجود سرمایه اجتماعی کهن و قدیمی میان مردم بر اساس سنت و مذهب ۲. وجود ریش‌سفیدان محلات برای طرح خواسته‌ها و مشکلات محلی ۳. حضور زنان و جوانان در جامعه ۴. وجود انگیزه در بزرگسالان برای مشارکت‌های سنتی، عرفی، دینی و... ۵. وجود زمینه‌های ملی‌گرایی و احساس تعلق به فرهنگ ایرانی اسلامی ۶. احساس تعلق به خانواده و جلب مشارکت در وجوه سنتی مشارکت	۱. مشخص نبودن جایگاه نهادهای مردمی و تشکلهای برنامه‌ها ۲. ضعف هم‌بستگی اجتماعی در محلات و زندگی آپارتمان‌نشینی ۳. نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخ‌گویی به آنها در برنامه‌ها ۴. فقدان سازمان‌دهی مطالبات شهروندی برای لحاظ در برنامه‌ها ۵. وجود ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی و وجدان جمعی ۶. ایجاد تعارضات بین تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی و...	۱. وجود پتانسیل نیروی جوان و بانگیزه برای مشارکت در تدوین برنامه ۲. به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و گرایش‌های محلی در برنامه‌ها ۳. رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی ۴. تقویت ابزارهای مدیریت شهری برای اطلاع‌رسانی به موقع به مردم	۱. ایجاد اختلاف و ناهماهنگی در استفاده از پتانسیل نیروی جوان ۲. ایجاد تعارضات به دلیل تنوعات فرهنگی و قومی و محلی ۳. تضعیف ارتباطات و درک متقابل و دوسویه بین شهروندان ۴. تقویت فردگرایی در برنامه‌ها و یک‌سویه‌نگری در طرح‌ها ۵. بی‌توجهی به نقش آموزشی و فرهنگی فضاهای شهری ۶. تحلیل رفتن و ضعف سرمایه اجتماعی میان شهروندان
	۱. وجود فرصت ارتباط مدیریت شهری با مردم و تعیین سازوکار آن ۲. تمایل مدیران شهری در تن دادن به قواعد و معیارهای مشارکت مردم ۳. زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عملکردی تشکلهای غیردولتی ۴. وجود زمینه نظارت و اجرا بین شهرداری، شورای شهر و مردم ۵. تغییر رویکرد شهرداری از نهاد خدماتی صرف به نهادی اجتماعی - فرهنگی	۱. ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت و تغییرات مداوم برنامه‌ها ۲. وجود ضعف در تخصص محوری و انتصاب‌های سیاسی ۳. نگاه از بالا به پایین مدیران شهری به مردم ۴. تبدیل مشارکت به حضور سمبلیک و نمادین ۵. محدودیت ارتباطات برای استفاده از تجارب دیگر جوامع	۱. ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در مدیریت شهری و برنامه‌های شهری ۲. ایجاد زیرساخت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی در سطح مناطق و محلات ۳. تقویت رویکرد مردم‌محوری و شهروندمحوری در مدیریت شهری شهر	۱. اتکای مدیریت شهری به بخشی از شهروندان و تمرکز طلبی آنان ۲. قرار گرفتن ساختارهای اداری و تقسیم پستها بین گروه قوی ۳. تضعیف مدیریت تخصصی شهر ۴. عدم درک متقابل از کاربست مشارکت بین مدیران و شهروندان ۵. تصمیم‌های مقطعی، احساسی و بدون مبنای علمی تخصصی ۶. مقاومت ساختار مدیریتی متمرکز در مقابل تفکر مشارکتی
مدیریتی - سیاسی				

ادامه جدول ۸. جدول SWOT محله گلستان

معیار	قوت	ضعف	فرصت	تهدید
قانونی- حقوقی	۱. تأکید قانون اساسی مبنی بر حق مشارکت مردم در همه امور ۲. اعلام سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ و تقویت نقش مردم در امور	۱. نبود ضمانت حقوقی و اجرایی برنامه‌های مدیریت شهری ۲. فقدان سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات مردمی ۳. تضعیف نقش عرفی قانونی ساکنان محله در مدیریت محلی ۴. سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری متمرکز و دولت‌محور مدیریت شهری	۱. تدوین سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان از مدیریت شهری ۲. التزام مدیران شهری به پاسخ‌گویی به مطالبات مردم و پذیرش اصل نظارت	۱. عدم توجه به شاخص‌های قانونی مشارکت مردم در برنامه‌ها ۲. ناآشنایی شهروندان به حقوق و تکلیف خود در قواعد برنامه ۳. نبود الگوهای قانونی تجربی برای هدایت مطالبات شهروندان ۴. فقدان حقوق شهروندی مدون و مصوب در مدیریت شهری ۵. نبود سازوکارهای قانونی مشارکت انتفاعی شهروندان
فضایی- کالبدی	۱. وجود هویت محله‌ای ۲. امکان جلب مشارکت ۳. پایداری نسبی هویت محله	۶. بروز اختلاف در سطح محدوده‌ها و نامشخص بودن برنامه‌ها ۷. تراکم زیاد جمعیت و ناهمگونی بافت جمعیتی مناطق و محلات ۸. متراژ پایین و تراکم زیاد واحدهای مسکونی در منطقه یک	۱. استفاده از الگوهای جامع در توسعه بافت فرسوده ۲. توجه به حمل‌ونقل، ترافیک، آب و فاضلاب و تعریض معابر و لحاظ کردن الزامات شهری ۳. رویکرد توسعه محله‌محوری در برنامه‌های مدیریت شهری	۱. وجود اجاره و خانه‌به‌دوشی و تغییر مکانی مستمر ۲. جمعیت شناور و وجود پایانه‌های وسیع جابه‌جایی ۳. بافت‌های فرسوده و آلودگی‌های گسترده

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی برنامه‌ریزی شهری در محله گلستان

در این مرحله پس از ارائه نتایج اولیه پرسشگری از کارشناسان، برای تعیین راهبردهای برنامه‌ریزی و سامان‌دهی بافت محله گلستان عوامل راهبردی مؤثر در موضوع بحث شناسایی و اولویت‌بندی شده‌اند. به این منظور، از مدل برنامه‌ریزی راهبردی SWOT که از مدل‌های بسیار پرکاربرد در برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی است، استفاده شده است. این مدل، ابتدا در جهت تعیین پتانسیل و ظرفیت یک موضوع یا یک مکان، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر آن را بررسی کرده و سپس با استفاده از این نتایج، راهبردهای مختلف برای ایجاد تصمیمات و پیش‌بینی‌ها و راهکارها برای بهبود آن مکان یا موضوع را تعیین می‌کند. برای هر موضوع یا هر مکان، عوامل مختلفی در نحوه کیفیت عملکرد آن تأثیر می‌گذارد. این عوامل عموماً در دو دسته جای می‌گیرند: عوامل درونی و بیرونی.

عوامل درونی: این دسته، مجموعه عواملی‌اند که در درون خود سیستم یا منطقه وجود دارند و در تعیین وضعیت

منطقه مؤثرند. در مدل SWOT عوامل درونی شامل نقاط قوت^۱ و نقاط ضعف^۲ یک سیستم یا سازمان یا منطقه است. شناسایی نقاط قوت راه تقویت سیستم را آشکار کرده و در کنار آن، شناسایی ضعف‌ها، باعث می‌شود بتوان از آن‌ها به نفع نقاط قوت استفاده کرد.

عوامل بیرونی: آنهایی‌اند که از کنترل منطقه خارج بوده و از بیرون بر سیستم اثر می‌گذارند. این عوامل به نوعی مرتبط به فرایندهایی‌اند که در خارج از محدوده آن منطقه به وقوع می‌پیوندند. عوامل بیرونی شامل فرصت‌ها^۳ و تهدیدها^۴ می‌شوند. یعنی عواملی که از بیرون به عنوان یک فرصت تلقی می‌شوند و می‌توانند در جهت پیشرفت یک منطقه مؤثر باشند و از طرف دیگر، عواملی که یک تهدید محسوب می‌شوند و برای منطقه خطر سازند و باید از آن دوری کرد و آن را به فرصت تبدیل کرد.

جدول ۹. الگوی تحلیل SWOT پتانسیل‌های برنامه‌ریزی در محله گلستان

امتیاز	عوامل بیرونی	امتیاز	عوامل درونی
۲.۴	وجود پتانسیل نیروی جوان و باانگیزه برای مشارکت در تدوین برنامه	۴.۴	وجود سرمایه اجتماعی کهن و قدیمی میان مردم بر اساس سنت و مذهب
۱.۴	به رسمیت شناختن تنوعات فرهنگی و گرایش‌های محلی در برنامه‌ها	۳.۴	وجود ریش‌سفیدان محلات برای طرح خواسته‌ها و مشکلات محلی
۱.۴	رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی	۱.۴	حضور زنان و جوانان در جامعه
۱.۴	تقویت ابزارهای مدیریت شهری برای اطلاع‌رسانی به موقع به مردم	۰.۴	وجود انگیزه در بزرگسالان برای مشارکت‌های سنتی، عرفی، دینی و...
۰.۴	ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در مدیریت شهری و برنامه‌های شهری	۰.۴	وجود زمینه‌های ملی‌گرایی و احساس تعلق به فرهنگ ایرانی اسلامی
۶.۳	ایجاد زیرساخت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی در سطح مناطق و محلات	۹.۳	احساس تعلق به خانواده و جلب مشارکت و جوه سنتی مشارکت
۵.۳	تقویت رویکرد مردم‌محوری و شهروندمحوری در مدیریت شهری شهر	۸.۳	وجود فرصت ارتباط مدیریت شهری با مردم و تعیین سازوکار آن
۵.۳	تدوین سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان از مدیریت شهری	۷.۳	تمایل مدیران شهری در تن دادن به قواعد و معیارهای مشارکت مردم
۱.۳	التزام مدیران شهری به پاسخ‌گویی به مطالبات مردم و پذیرش اصل نظارت	۶.۳	زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عملکردی تشکل‌های غیردولتی
۵.۳	استفاده از الگوهای جامع در توسعه بافت فرسوده	۶.۳	وجود زمینه نظارت و اجرا بین شهرداری، شورای شهر و مردم
۲.۳	توجه به حمل‌ونقل، ترافیک، آب و فاضلاب و تعریض معابر و لحاظ کردن الزامات شهری	۵.۳	تغییر رویکرد شهرداری از نهاد خدماتی صرف به نهادی اجتماعی- فرهنگی

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Opportunities
4. Threats

ادامه جدول ۹. الگوی تحلیل SWOT پتانسیل‌های برنامه‌ریزی در محله گلستان

امتیاز	عوامل بیرونی	امتیاز	عوامل درونی
۶.۳	رویکرد توسعه محله‌محوری در برنامه‌های مدیریت شهری	۲.۳	تأکید قانون اساسی مبنی حق مشارکت مردم در همه امور
		۶.۳	اعلام سیاست‌هایی اجرایی اصل ۴۴ و تقویت نقش مردم در امور
		۵.۳	وجود هویت محله‌ای
		۵.۳	امکان جلب مشارکت
		۱.۳	پایداری نسبی هویت محله
۴.۴	ایجاد اختلاف و ناهماهنگی در استفاده از پتانسیل نیروی جوان	۴.۴	مشخص نبودن جایگاه نهادهای مردمی و تشکل‌ها در برنامه‌ها
۴.۴	ایجاد تعارضات به دلیل تنوع فرهنگ و قوم و محلی	۴.۴	ضعف هم‌بستگی اجتماعی در محلات و زندگی آپارتمان‌نشینی
۹.۳	ضعف ارتباطات و درک متقابل و دوسویه بین شهروندان	۳.۴	نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخ‌گویی به آنها در برنامه‌ها
۷.۳	تقویت فردگرایی در برنامه‌ها و یک‌سویه‌نگری در طرح‌ها	۲.۴	فقدان سازمان‌دهی مطالبات شهروندی برای لحاظ در برنامه‌ها
۶.۳	بی‌توجهی به نقش آموزشی و فرهنگی فضاهای شهری	۱.۴	وجود ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی و وجدان جمعی
۵.۳	تحلیل رفتن و ضعف سرمایه اجتماعی میان شهروندان	۰.۴	ایجاد تعارضات بین تنوع فرهنگ، قوم، زبانی و مذهبی و...
۴.۳	انکای مدیریت شهری به بخشی از شهروندان و تمرکزطلبی آنان	۰.۴	ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت و تغییرات مداوم برنامه‌ها
۲.۳	قرار گرفتن ساختارهای اداری و تقسیم پست‌ها بین گروه قوی	۹.۳	وجود ضعف در تخصص‌محوری و انتصاب‌های سیاسی
۴.۴	تضعیف مدیریت تخصصی شهر	۹.۳	نگاه از بالا به پایین مدیران شهری به مردم
۴.۴	عدم درک متقابل از کاربست مشارکت بین مدیران و شهروندان	۸.۳	تبدیل مشارکت به حضور سمبلیک و نمادین
۳.۴	تصمیم‌های مقطعی، احساسی و بدون مبنای علمی تخصصی	۷.۳	محدودیت ارتباطات برای استفاده از تجارب دیگر جوامع
۲.۴	بی‌توجهی به شاخص‌های قانونی مشارکت مردم در برنامه‌ها	۷.۳	نبود ضمانت حقوقی و اجرایی برنامه‌های مدیریت شهری
۱.۴	ناآشنایی شهروندان به حقوق و تکلیف خود در قواعد برنامه	۴.۳	فقدان سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات مردمی
۶.۳	نبود الگوهای قانونی تجربی برای هدایت مطالبات شهروندان	۳.۳	تضعیف نقش عرفی قانونی ساکنان محله در مدیریت محلی
۵.۳	فقدان حقوق شهروندی مدون و مصوب در مدیریت شهری	۲.۳	سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری متمرکز و دولت‌محور مدیریت شهری

تهدیدها (T)

نقاط ضعف (W)

ادامه جدول ۹. الگوی تحلیل SWOT پتانسیل‌های برنامه‌ریزی در محله گلستان

امتیاز	عوامل بیرونی	امتیاز	عوامل درونی
۲.۳	نبود سازوکارهای قانونی مشارکت انتفاعی شهروندان	۰.۳	بروز اختلاف در سطح محدوده‌ها و نامشخص بودن برنامه‌ها
۶.۳	وجود اجاره و خانه‌به‌دوشی و تغییر مکانی مستمر	۶.۳	تراکم زیاد جمعیت و ناهمگونی بافت جمعیتی مناطق و محلات
۳.۳	جمعیت شناور و وجود پایانه‌های وسیع جابه‌جایی	۸.۲	مترائز پایین و تراکم بالای واحدهای مسکونی در منطقه یک
۲.۳	بافت‌های فرسوده و آلودگی‌های گسترده		
۰.۳	مقاومت ساختار مدیریتی متمرکز در مقابل تفکر مشارکتی		

برای تشکیل جدول SWOT و تعیین راهبردها، ابتدا باید با استفاده از جدول الگوی تحلیل SWOT پتانسیل‌های برنامه‌ریزی شهری در محله گلستان و با توجه به مجموعه عوامل داخلی و بیرونی و ترکیب آنها، مهم‌ترین عوامل راهبردی در برنامه‌ریزی شهری در محله گلستان تعیین شود. در واقع با توجه به تعدد عوامل داخلی مشتمل بر ۱۶ نقطه قوت و ۱۸ نقطه ضعف، مجموعاً با ۳۴ عامل و تعداد عوامل بیرونی با ۱۲ عامل فرصت و ۲۱ عامل تهدید، مجموعاً با ۳۳ عامل بیرونی، با تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی، برنامه‌ریزانی که تصمیم‌های راهبردی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها را به تعداد کمتری از عوامل محدود کنند. این کار با بررسی حد اهمیت این عوامل از دیدگاه کارشناسی انجام می‌پذیرد و نهایتاً می‌توان راهبردهای چهارگانه تهاجمی، تدافعی، رقابتی و محافظه‌کارانه را با توجه به ۱۹ عامل مهم مشتمل بر ۱۲ عامل درونی و ۷ عامل بیرونی معین کرد. در واقع، سنگین‌ترین عوامل موجود در این جدول از حیث وزن، باید به جدول تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی منتقل شوند.

جدول ۱۰. تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی به منظور تعیین راهبردها

عوامل راهبردی	امتیاز وزنی	ضریب اهمیت	وزن نسبی	رتبه اهمیت	مقطع زمانی برنامه‌ریزی
					میان مدت
S1- وجود سرمایه اجتماعی کهن و قدیمی میان مردم بر اساس سنت و مذهب	۴.۴	۰۰.۵	۲۰.۲	۳	* * *
S2- وجود ریش‌سفیدان محلات برای طرح خواسته‌ها و مشکلات محلی	۳.۴	۰۰.۵	۱۵.۲	۴	* *
S3- حضور زنان و جوانان در جامعه	۱.۴	۰۰.۵	۰۵.۲	۶	* *

ادامه جدول ۱۰. تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی به منظور تعیین راهبردها

عوامل راهبردی			امتیاز وزنی	ضریب اهمیت	وزن نسبی	رتبه اهمیت	مقطع زمانی برنامه‌ریزی	بلندمدت	میانمدت	کوتاهمدت
S4- وجود انگیزه در بزرگسالان برای مشارکت‌های سنتی، عرفی، دینی و...			۰.۴	۰۰.۵	۰۰.۲	۱۰	*	*	*	*
S5- زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عملکردی تشکل‌های غیردولتی			۰.۴	۰۰.۵	۰۰.۲	۱۱	*	*	*	*
W1- مشخص نبودن جایگاه نهادهای مردمی و تشکل‌ها در برنامه‌ها			۴.۴	۵۷.۳	۵۸.۱	۱۳	*	*	*	*
W2- ضعف هم‌بستگی اجتماعی در محلات و زندگی آپارتمان‌نشینی			۴.۴	۵۷.۳	۵۸.۱	۱۴	*	*	*	*
W3- نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخ‌گویی به آنها در برنامه‌ها			۳.۴	۵۷.۳	۵۴.۱	۱۵	*	*	*	*
W4- فقدان سازمان‌دهی مطالبات شهروندی برای لحاظ در برنامه‌ها			۲.۴	۵۷.۳	۵۰.۱	۱۶	*	*	*	*
W5- وجود ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی و وجدان جمعی			۱.۴	۵۷.۳	۴۶.۱	۱۷	*	*	*	*
W6- ایجاد تعارضات بین تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی و...			۰.۴	۵۷.۳	۴۳.۱	۱۸	*	*	*	*
W7- ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت و تغییرات مداوم برنامه‌ها			۰.۴	۵۷.۳	۴۳.۱	۱۹	*	*	*	*
O1- وجود پتانسیل نیروی جوان و باانگیزه برای مشارکت در تدوین برنامه			۲.۴	۰۰.۵	۱۰.۲	۵	*	*	*	*
O2- به رسمیت شناختن تنوعات فرهنگی و گرایش‌های محلی در برنامه‌ها			۱.۴	۰۰.۵	۰۵.۲	۷	*	*	*	*
O3- رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی			۱.۴	۰۰.۵	۰۵.۲	۸	*	*	*	*
O4- ایجاد زیرساخت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی در سطح مناطق و محلات			۶.۳	۰۰.۵	۰۵.۲	۹	*	*	*	*
O5- رویکرد توسعه محله‌محوری در برنامه‌های مدیریت شهری			۶.۳	۰۰.۵	۰۰.۲	۱۲	*	*	*	*
T1- ایجاد اختلاف و ناهماهنگی در استفاده از پتانسیل نیروی جوان			۴.۴	۵.۱۲	۵۰.۵	۱	*	*	*	*
T2- ایجاد تعارضات به دلیل تنوعات فرهنگی و قومی و محلی			۴.۴	۵.۱۲	۵۰.۵	۲	*	*	*	*

راهبردهای تهاجمی (حداکثر - حداکثر)

- جلب مشارکت و نهادسازی در مداخلات نوسازی بافت با استفاده از سرمایه اجتماعی کهن و قدیمی میان مردم بر اساس سنت و مذهب
- آموزش و ارتقای مهارت ریش‌سفیدان محلات و طرح خواسته‌ها و راه حل مشکلات محلی از آنها
- تغییر رویکرد شهرداری از نهاد خدماتی صرف به نهادی اجتماعی - فرهنگی
- زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عملکردی تشکلهای غیردولتی

راهبردهای تدافعی (حداکثر - حداقل)

- تقویت هم‌بستگی اجتماعی در محلات و ترویج فرهنگ زندگی آپارتمان‌نشینی
- برگزاری جلسات با مشارکت‌کنندگان و ارتقای احساس مسئولیت اجتماعی و وجدان جمعی
- قرارگیری برنامه‌ریزان در کنار سرپرستان خانواده در جلسات تشکیل‌شده در مساجد به عنوان راهنما و همراه برای برنامه‌ریزی مطلوب
- ایجاد ثبات مدیریتی در برنامه‌ها و نگاه از پایین مدیران شهری به مردم

راهبردهای رقابتی (حداقل - حداکثر)

- استفاده از نیروی جوان و بانگیزه برای مشارکت در تدوین برنامه
- تدوین سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان از مدیریت شهری
- توجه به رویکرد توسعه محله‌محوری در برنامه‌های مدیریت شهری
- تدوین سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان از مدیریت شهری

راهبردهای محافظه‌کارانه (حداقل - حداقل)

- جلوگیری از تصمیم‌های مقطعی، احساسی و بدون مبنای علمی تخصصی
 - کاهش تعارضات فرهنگی و قومی و محلی
 - تقویت و آموزش مهارت جوانان و جلوگیری از ایجاد اختلاف بین آنها
 - برگزاری جلسه‌هایی برای مدیران شهری منطقه و توجیه آنان برای برنامه‌ریزی مشارکتی
- با توجه به جدول SWOT بالا می‌توان گفت که این محله نیازمند برنامه‌ای است که مردم در آن در محور اصلی قرار گیرند. لذا وجود برنامه‌ریزی مردم‌محور با تکیه بر مشارکت مردم می‌تواند راهبردی مناسب برای برنامه‌ریزی باشد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزی و کالتهی با توجه اساسی به مشارکت مردم می‌تواند رهیافتی مؤثر برای بهبود وضعیت محله گلستان باشد.

نتیجه‌گیری

اجرای طرح و برنامه‌ها در شهرها مراحل متعددی دارد که این مراحل از مطالعات توصیفی، شناخت دقیق منطقه و اولویت‌ها و نیازهای ساکنان، ظرفیت‌های منطقه یا محل تا نحوه و میزان مشارکت مردم و غیره را شامل می‌شود. پس از این مراحل، برنامه‌ریزان برنامه را تهیه می‌کنند و آن را به صورت عملیاتی درمی‌آورند. یکی از این برنامه‌ریزی‌ها، برنامه‌ریزی با مردم است که در آن به مردم و مشارکت آنان اهمیت بیشتری داده می‌شود. در این راستا نظریه‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان ارائه شده است که هر یک سعی در برنامه‌ریزی مردمی داشته‌اند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه برنامه‌ریزی و کالتی یا حمایتی و افکار اندیشمندی چون پال دیویدوف اشاره کرد که سعی بر اجتماع‌محور کردن نگاه برنامه‌ریزی دارد. البته، این محلات و به‌ویژه محلات دارای بافت فرسوده با قشر اجتماعی خاص، به دلیل ضعف ساختار اقتصادی و نبود تسهیل‌گر، توان استفاده از ظرفیت‌های برنامه‌ریزی و کالتی یا حمایتی را به صورت بالقوه نگاه داشته و نتوانسته‌اند آن‌طور که شایسته است، سرمایه‌های اجتماعی موجود در محله را بالفعل کنند و آنها را در جهت بهبود وضعیت محله به کار بندند. لذا باید گفت آنچه می‌تواند در بهبود این وضعیت در ابعاد مختلف جغرافیایی و شکل‌گیری فضای پایدار در محلات شهری، ثمربخش واقع شود استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی است که در کنار مردم ساکن آن محدوده و تکیه بر اهرم‌های مردمی و شریک کردن آنان در فرایند برنامه‌ریزی صورت پذیرد. لزوم دستیابی به این مهم، هدایت و تسهیل‌گری در جهت استفاده از ظرفیت‌های مختلف محله با اقدامات هدفمند و راهبردهای برنامه‌ریزانه است. در این راستا، مدیریت شهری می‌تواند با نگاه متفاوت در نظام برنامه‌ریزی خود، بسیاری از موازی‌کاری‌ها و اتلاف هزینه‌های ناشی از آن را تعدیل کرده و قدرت اجرایی را افزایش دهد. در واقع، یکپارچگی مدیریت با مدیریت بخش عمومی به همراه مدیریت محلی مانند پیکره‌ای است که همه اعضای آن به صورت پیوسته در جهت سالم ماندن و پایداری پیکر تلاش می‌کنند. در این میان، محله گلستان با توجه به مسائل و مشکلات پیش رو و همچنین قابلیت‌ها و توانمندی‌های محله، لزوم برنامه‌ریزی جدیدی را می‌طلبد که همان برنامه‌ریزی با مردم است. بنابراین لزوم پیاده کردن این گونه برنامه‌ریزی مستلزم همکاری و تعامل دوسویه مردم و دولت است. از این رو، از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که محله گلستان در صورتی می‌تواند به توسعه پایدار دست یابد که اولاً ساکنان را برای انجام انواع کارهای مشترک، چه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و چه از نظر کالبدی و زیست‌محیطی سوق دهد؛ ثانیاً مدیریت شهری فعلی باید دیدگاه‌های سابق خود را رها کرده، با نگاهی سیستمی به شهر به سوی مدیریت یکپارچه شهری و واگذاری اختیارات به مدیریت‌های محلی گام بردارد. با توجه به مطالعات صورت گرفته، می‌توان گفت که این محله نیازمند برنامه‌ای است که در آن مردم در محور اصلی قرار گیرند. لذا وجود برنامه‌ریزی مردم‌محور و با تکیه بر مشارکت مردم می‌تواند راهبردی مناسب برای برنامه‌ریزی باشد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت برنامه‌ریزی و کالتی با توجه اساسی به مشارکت مردم، می‌تواند رهیافتی مؤثر برای بهبود وضعیت محله گلستان باشد. در نهایت، نتایج این مقاله تنها راه مصالحه میان حرفه‌مندی (تخصص) و مسئولیت سیاسی را همان مفهوم و کالت دیویدوف معرفی می‌کند و این دیدگاه را یکی از مهم‌ترین نظریات پیشگام در زمینه توجه به مسائل اجتماعی و مشارکت معرفی می‌کند.

لکن در این جهت، پیشنهادها به شرح زیر در خصوص کاربرد نظریه برنامه‌ریزی و کالتی در محله ارائه می‌گردد:

- می‌بایست سعی شود برنامه‌ریز به‌عنوان وکیل مردم در عمل نیز همیشه نماینده واقعی ساکنان باشد و مشارکت مردم جنبه نمایشی پیدا نکند.
- متخصص فن می‌بایست خواسته‌ها را با معیارهای حرفه‌ای (علمی و تجربی) محک بزند، تعدیل کند، یا حتی رد کند. کاملاً امکان دارد که برنامه‌ریز بتواند خواسته مردم را تبدیل به طرح‌های معقول و مشروع فنی کند؛ اما مشکل وقتی پدیدار می‌شود که اجتماع محلی چیزی از وکیلش بخواهد که با معیارهای حرفه‌ای او نخواند و برنامه‌ریز وکالتی میان وظیفه وکالت و داوری فنی دچار سردرگمی شود. در اینجاست که می‌بایست به‌عنوان یک تسهیل‌گر عمل کند و نفع مردم را بر همه‌چیز مقدم بشمارد.
- برنامه‌ریزان وکالتی با حمایت از اجتماعات فقیر نباید مانع بازتوانی خود آنها شود و آنان را در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی اساسی‌تر هدایت کند.
- مدیریت شهری با تأمین هزینه‌های برنامه‌ریزان وکالتی و هزینه‌های اجرای طرح، به‌طور همه‌جانبه از این برنامه حمایت کنند.
- به‌منظور داوری بهتر و انتخاب گزینه‌های نهایی، برنامه‌ریز به شاخص‌های مشارکتی توجه بیشتر معطوف دارد.

منابع

- اجلالی، پرویز؛ رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ (۱۳۹۱). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید، نشر آگه، تهران.
- اسدی، ایرج؛ سعیدنیا، احمد؛ (۱۳۸۹). نظریه‌های برنامه‌ریزی و زمینه‌های شکل‌دهنده آنها: از اوایل قرن بیستم تا اواسط دهه ۱۹۷۰، نامه معماری و شهرسازی، دوفصلنامه دانشگاه هنر، شماره چهار، بهار و تابستان.
- اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی، طرح جامع شهر سبزوار، (۱۳۹۱).
- پوپر، کارل؛ (۱۳۶۹). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه علی اصغر مهاجری، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- پیران، پرویز؛ (۱۳۷۴). برنامه جامع آگاه‌سازی همگانی: شهروندمداری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- شکویی، حسین؛ (۱۳۷۷). فلسفه سیاسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی، جغرافیا در ایران، تهران.
- Allmendinger, P; (2002). Towards a Post positivist Typology of Planning Theory, Planning Theory
- Birkland, jenis; (1992). Community Participation in urban Project Assessment an Ecofeminist Analysis. University Of Wollongony.
- Campbell, S.; Fainstein, S.; (1996). Reading in Planning Theory, Oxford, Blackwell.
- Campbell, S.; (1997). Reading in Planning Theory, Oxford.
- Davidoff, P.; (1965). Advocacy and Pluralism in Planning, In Campbell, S and Fainstein, S (1996)(eds), Readings in Planning Theory, Cambridge, MA: Blackwell.
- Davidoff, P.; (1996). Introducing Urban Design, Interventions and Responses, New York.
- Faludi, A.; (1973). A Reader in Planning Theory, Oxford: Pergamon.
- Faludi, A.; (1982). Three Paradigms of Planning Theory, in Healey et al (eds), Planning Theory, Oxford: Pergamon.
- Gulling Worth, J. B.; (1997). Planning in USA. London: Routledge.
- Healey, P.; McDougall, G.; Thomas, M. J.; (1982). Theoretical Debates in Planning: towards a Coherent Dialogue, in Healey et al. (eds) Planning Theory, Oxford: Pergamon.
- Hall, P.; (1989). Urban and Regional Planning, 2nd ed., Unwinhyman, London.
- Hall, P.; (1996). The City of Theory, In Richard, T. LeGates and Fredric. S, (eds), The City Reader, Routledge.
- Neuman, M.; (1998). Does Planning Need the Plan, Journal of the American planning Association, Vol. 64, No. 2.
- Taylor, N.; (1999). Town Planning Social not Just Physical Planning.